

# «جان بردن» در شعر نظامی خو

(نقد معنای بیتی از داستان خیر و شر)

دکتر علی اصغر فیروز نیا

دبیر ادبیات فارسی (شهرستان بجنورد)

در این بیت سعدی نیز به معنای ولی یا امام است:

عجبی نیست که سرگشته بود طالب دوست

عجب آن است که من واصل و سرگردانم (لغتنامه، ذیل حرف واو)

یکی از محققان، کاربرد حرف تفصیل را در شرح یک بیت از حافظ ذکر کرده است. (ک. رزاز، ۱۳۸۵: ۲۷)

البته در توضیحات داستان خیر و شر، جان بردن به معنای درست آن آمده است.

در کتب دیگر نیز چنین است: «جان بردن: دقیقاً یعنی جان به در بردن. ظهیر گوید: گفتی از دست عشق جان نبری

الحق این خود بشارت دگرست» (دیوان: ۳۴). «خرم شاهی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۳۴)

اصطلاح «جان بردن» از نظر ساختار دستوری (اسم+بن مضارع+ی حاصل

مصدری) در میان کلمات فارسی نظریه دارد؛ همچون دل بازی، دلبری. شفیعی کدکنی در شرح بیت زیر از منطق الطیبر چنین نوشته است:

«چون دمت سرد است دمسازی مکن پیر گشته قصد دل بازی مکن

دل بازی: دل باختن و عاشقی.» (عطار، ۱۳۸۳: ۵۶۸)

«دلبری: دل ریایی.» (معین، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۵۴۹)

«دل بردن: دل ریایی کردن.» (همان)

پس همان گونه که از لغتنامه نقل شد، «جان بردن» مترادف «جان بردن» است. در توضیحات کتاب درسی بین این

دو اصطلاح تفاوت گذاشته شده است؛ در

صورتی که این دو مترا دفاند.

مصنوع (مکب) عمل جان بردن. واای بر جان تو که بدگهری

جان بری کرده ای و جان نبری نظامی و رجوع به جان بردن شود.»

(دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۳۷۳: ۵: ۶۵۱۸) (مکب).

«جان بردن [بُ دَ] (مکب). زندگانی کردن. (غیاث اللغات). زنده ماندن. از مرگ رهایی یافتن. از مهلکه سالم بیرون آمدن. از مرگ خلاص شدن. خلاص شدن.

به نظر نویسنده این مقاله، «جان بردن» در درس داستان خیر و شر از کتاب سال اول دبیرستان، به معنای «رهاز جان دیگری شدن و برای هلاک دیگری اقدام کردن» نیست بلکه به معنای «زنده ماندن و از مهلکه سالم بیرون آمدن» است.

**کلیدواژه‌ها:** نظامی گنجوی، هفت پیکر، جان بری کردن، جان بردن، حرف تفصیل

در کتاب ادبیات فارسی سال اول دبیرستان، درس ششم با عنوان «داستان خیر و شر» آمده است. این داستان بازنویسی یکی از داستان‌های هفت پیکر نظامی گنجوی است. در ضمن درس، بیت زیر از نظامی نقل شده است:

«واای بر جان تو که بدگهری جان بری کرده ای و جان نبری» (ادبیات فارسی ۱، ۱۳۹۰: ۴۷)

در توضیحات درس، معنی بیت مذکور چنین آمده است: «تورهزن جان شده ای و برای هلاک دیگری اقدام کرده ای اما جان سالم به در نخواهی برد.» (همان: ۴۸)

بحث بر سر معنای «جان بردن» معنای شده است. به نظر راقم این سطور، معنای

کتاب درسی در این مورد، درست نیست کس از کشتن کس نیاورد یاد. خواجه نظمی

و جان بردن کنایه از سلامت و محفوظ ماندن.» (بهار، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۰۱)

نکته شایان ذکر این است که حرف «و»

در مصوع دوم از این بیت نظامی، شامل دو

معنایت: یکی حرف عطف و دیگری حرف

تفصیل به معنای ولی و اما، همان طور که

چنین نوشته است: «جان بری. [بَ] [حا]

- منابع
۱. بهار، لاله تیکی؛ چند، بهار عجم، ۳ جلد، طایفه، تهران، ۱۳۸۰.
  ۲. بهار، لاله تیکی؛ بهاء الدین؛ حافظنامه، ۲ جلد، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۵.
  ۳. دهخدا، علی اکبر؛ لغتنامه، چاپ اول از دوره جدید، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
  ۴. روزاز، علی اکبر؛ شرح اشارات حافظ، علمی و فرهنگی، ۲ ج. تهران، ۱۳۸۵.
  ۵. دهخدا، علی اکبر؛ شرح اشارات حافظ، علمی و فرهنگی، ۲ ج. تهران، ۱۳۸۵.
  ۶. گروه مؤلفان؛ ادبیات فارسی (۱) سال اول، دبیرستان، انتشارات سازمان